



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان چاپ: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک مقابله ای در فرزندان دختر و پسر اول ،

میانی ، آخر و تک فرزند

الهام نیکویی قادیکلایی<sup>۱</sup>، یارعلی دوستی<sup>۲</sup>، میترا مصلحی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی

۲- دکتری روانشناسی

۳- دکتری روانشناسی

e.n723@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک مقابله ای در فرزندان دختر و پسر اول ، میانی ، آخر و تک فرزند ارائه شده است. جامعه ی هدف در این پژوهش، تمامی دانش آموزان مشغول به تحصیل در مقطع چهارم متوسطه در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در شهرستان قائمشهر بودند که از میان آنها ۱۱۶ دانش آموز پسر و ۱۹۵ دانش آموز دختر به روش نمونه گیری خوشه ای برای گروه نمونه انتخاب شدند. دو پرسشنامه ی طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ و پرسشنامه سبک های مقابله ای اندلر و پارکر، توسط دانش آموزان گروه نمونه پر شده و توسط محقق نمره گذاری شدند. تحلیل نمرات به دست آمده با استفاده از نرم افزار Spss انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های مقابله ای در رتبه های تولدی مختلف، تفاوت معنی داری با یکدیگر ندارند. با این حال وقتی عامل جنسیت نیز اندازه گیری شد تفاوت معنی دار بین طرحواره ها و سبک های مقابله ای دخترها و پسرها مشاهده شد. همچنین بین رتبه های تولدی دختر و پسر نیز تفاوت معنی دار یافت شد. به این معنی که طرحواره های ناسازگار اولیه در فرزندان اول، میانی، آخر و تک فرزند تفاوت ندارند اما برای مثال بین طرحواره های ناسازگار اولیه فرزندان اول دختر با طرحواره های فرزندان اول پسر تفاوت معنی دار وجود دارد. این نتیجه برای رتبه های تولدی میانی، آخر و تک فرزند نیز تکرار شد. این تفاوت معنی دار جدا از تفاوت معنی داری بود که بین دو جنس یافت شد. نتایج این پژوهش در شناخت بهتر افراد و درمان سریعتر طرحواره های ناسازگار اولیه، دارای کاربرد می باشد.

کلید واژه: طرحواره های ناسازگار اولیه - سبک های مقابله ای - رتبه تولد - جنسیت



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

## ۱-مقدمه

رتبه تولد یکی از مفاهیم مهم در حوزه شخصیت است که برای اولین بار توسط آلفرد آدلر<sup>۱</sup> در سال ۱۹۰۸ معرفی شد و نسبت به سایر مفاهیم در نظریه ی آدلر پژوهش های بیشتری را برانگیخته است.

منظور آدلر از ترتیب تولد، چهار موقعیت تربیتی است که کودک می تواند در یکی از این موقعیت ها متولد شود. کودک می تواند فرزند اول، فرزند وسط، فرزند آخر یا تک فرزند باشد. از نظر آدلر بزرگتر و کوچکتر بودن از خواهر و برادرها و قرار گرفتن در معرض نگرشهای متفاوت والدین شرایط کودکی متفاوتی را بوجود می آورد که به تعیین شخصیت کمک می کند. او عنوان کرد که ترتیب تولد تاثیر ثابتی بر شیوه زندگی (نحوه برخورد همیشگی یک فرد با تکالیف زندگی از جمله دوستی، شغل و عشق) دارد (سالووی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶). فرزند نخست تنها کودکی است که تا به دنیا آمدن فرزند دوم، ارزش و اعتبار خاصی دارد و به تنهایی توجه والدین را جلب می کند. این فرزندان هرچند از جنبه هوشی، توانایی های گفتاری و پیشرفت تحصیلی نسبت به برادران یا خواهران خود برتری نشان می دهند، معمولاً سازش یافتگی اجتماعی و اعتماد به خود کمتری دارند و به والدین خود بیشتر وابسته اند. از سوی دیگر، احساس مسئولیت و همکاری آنها بیش از بقیه است و بسیار تلاش می کنند خود را با معیارها و انتظارات والدین تطبیق دهند و در این راستا به موفقیت هایی نیز دست میابند. این کودکان معمولاً تشکیلاتی و وظیفه شناس هستند، گرچه در کارهای خود نوعی وسواس و محافظه کاری دارند (مصباح<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۳۸۳). فرزندان اول با توجه به این که الگویی برای فرزندان دیگر خانواده هستند و از آنجا که بیشتر در ارتباط با بزرگسالان هستند، صفات شخصیتی بزرگسالان را به خود گرفته و دارای ویژگی هایی مشابه آنان از جمله جدیت، تحت کنترل بودن، سازمان یافتگی، با نظم، هدفمند، وظیفه شناس، هشیار، مسئول و طرفدار هنجارها هستند و به علت توقع و انتظارات بالای والدین تحت فشار می باشند و والدین بیشتر کارها را به آنها واگذار می کنند و انتظار بیشتری نسبت به رعایت انضباط از طرف آنها دارند (لمن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸، نقل از کیداش<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶).

فرزند دوم معمولاً از فرزند اول سازش یافته تر است و سرعت رشد بیشتری هم دارد. افزایش تجربه و پختگی والدین در پرورش کودک، موجب می شود در نظارت و سرپرستی فرزند دوم زیاده روی نکنند. از این رو فرزند دوم مستقل و بی نیاز تر از فرزند اول خواهد بود (احدی و بنی جمال، ۱۳۷۵). او خواهر یا برادر بزرگتر را رقیبی در نظر می گیرد که باید بر او غلبه کند بنابراین از دید آدلر، فرزندان دوم رقابت جو تر و بلند پرواز تر از خواهران و برادران خود هستند (رایکمن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸). فرزندان میانی کمتر احساس اتحاد با اعضای خانواده دارند و احساس می کنند به سمت بیرون سوق داده می شوند (کیداش، ۲۰۰۶)، تا حدودی اجتماعی تر بوده، در برابر مشکلات مقاومت خوبی از خود نشان می دهند (شیلر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶) و برای رسیدن به کمال و ملایمت تلاش می کنند (گفروور<sup>۷</sup>، گفروور<sup>۸</sup>، کارلت<sup>۹</sup>، وایت<sup>۱۰</sup> و کورن<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۳).

<sup>1</sup> Adler  
<sup>2</sup> Sulloway  
<sup>3</sup> Leman  
<sup>4</sup> kidash  
<sup>5</sup> Rickman  
<sup>6</sup> Schiller  
<sup>7</sup> Gfroerer  
<sup>8</sup> Gfroerer  
<sup>9</sup> Curlette  
<sup>10</sup> Whit  
<sup>11</sup> Keren



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

آدلر معتقد است فرزندان میانی در برابر ظلم، بی عدالتی، احساس تحقیر شدگی، مورد سواستفاده قرار گرفتن یا نداشتن جایگاه در گروه حساس هستند. فرزند میانی معمولاً سعی میکند به فرزند اول برسد و در حوزه‌هایی که فرزند اول تخصص ندارد، به کمال دست یابد. زمانی که فرزند جدید در خانواده متولد می‌شود، کودک میانی به دلیل رقابت با فرزند آخر، اغلب احساس خلع شدگی می‌کند. کودک میانی دارای یک رهبر در پیش و یک تعقیب کننده در پس و در محاصره آن چیزی است که اغلب به عنوان رقیب ادراک می‌شود. چنین فرزندان میانی ممکن است احساس کنند نه امتیازهای کوچکترین فرزند را دارند و نه حقوق بزرگترین فرزند را و اعتقاد داشته باشند که افراد در برابر آنها غیر منصف‌اند، دوست داشتنی نیستند یا به خانواده خود تعلق ندارند و به طور آشکار درگیر گروه همسالان شوند (اکستین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰)

فرزندان آخر تمایل بیشتری به دلسوزی دارند، محبوب تر بوده و نسبت به خواهر و برادرهای بزرگتر انعطاف پذیری بیشتری دارند و در میان مبتلایان به اختلالات روان پریشی جلب توجه بیشتری میکنند (ساید<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴) و بیشتر از سایرین پرحرف و احساسی، محبوب تر و بیشتر به دنبال حل مشکلات هستند (شیلر، ۲۰۰۶). همچنین این فرزندان هرگز با ضربه عزل شدن به وسیله فرزند دیگر مواجه نمی‌شوند و اغلب محبوب خانواده‌اند، به ویژه اگر خواهر و برادرها چند سال بزرگتر باشند (شولتز<sup>۳</sup> و شولتز، ۱۹۹۸).

از نظر آدلر تک فرزندان همیشه جایگاه برتر و بالاتری را که در خانواده دارند از دست نداده و همیشه کانون توجه باقی می‌مانند (شیلر، ۲۰۰۶) و دارای نیاز بالا به کسب موفقیت و علاقه مند تحصیلات دانشگاهی هستند (ساید، ۲۰۰۴). همچنین آنها دارای خصوصیت‌هایی از جمله اشتیاق به بدعت و تازگی، کمال گرایی، اعتماد به نفس، منطقی و عالمانه رفتار کردن و استقلال و احساس تدافعی هستند (کیداش، ۲۰۰۶).

برخی از تحقیقات مربوط به بررسی رابطه بین شخصیت و ترتیب تولد، پیشنهاد کرده‌اند که تقریباً ۳۵٪ درصد از از واریانس شخصیت را می‌توان بر اساس ترتیب تولد تبیین کرد (بورکنو<sup>۴</sup> ۲۰۰۱ به نقل از جعفری و همکاران، ۱۳۸۹).

علاوه بر آدلر روان‌شناسان زیادی بر نقش مهم اتفاقات کودکی و سبک تربیتی والدین بر شخصیت کودک در بزرگسالی تأکید کرده‌اند. از نظریه پردازان معاصر که برسالهای اولیه زندگی و تأثیر آن بر سبک زندگی افراد تأکید زیادی داشته، جفری یانگ است. یانگ الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب رسانی که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته‌اند و در سیر زندگی تکرار می‌شوند را طرحواره‌های ناسازگار اولیه نامید. به طور کلی طرحواره به عنوان هر اصل سازمان بخش کلی در نظر گرفته می‌شود که برای درک تجارب کلی زندگی فرد ضروری است. بسیاری از طرحواره‌ها در اوایل زندگی شکل می‌گیرند، به حرکت خود ادامه میدهند و خودشان را به تجارب بعدی زندگی تحمیل می‌کنند (یانگ<sup>۵</sup>، ۱۹۵۰). گفت از آنجا که طرحواره هسته خود پنداره افراد را تشکیل می‌دهد، اگر دارای محتوای ناسازگار باشد افراد را نسبت به گستره‌ای از کاستی‌ها و مشکلات آسیب پذیر می‌کند. بررسی‌های چندینی که در این زمینه انجام شده، نشان می‌دهند که طرحواره‌های

<sup>1</sup> Eckstein

<sup>2</sup> Side

<sup>3</sup> Schultz

<sup>4</sup> Burkeno

<sup>5</sup> Young



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ناسازگار اولیه در شکل گیری و گسترش بسیاری از مشکلات روان شناختی همچون اختلالات شخصیت، افسردگی مزمن و اختلالات اضطرابی نقش دارند (پلتس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۲).

پانگ ۱۸ طرحواره را در قالب پنج حوزه اصلی طبقه بندی کرده است و آنها را به عنوان حوزه های طرحواره معرفی می کند که تعریف مفهومی هر یک را به اختصار خواهیم آورد:

## حوزه یک: انفصال (بریدگی) و طرد

خانواده های این افراد که ریشه ی شکل گیری این حیطة در کودکی هستند، معمولاً بی ثبات، بدرفتار، سرد، طرد کننده و منزوی از دنیای اطراف خود می باشند. در این افراد نیازهای بنیادین امنیت، آرامش خاطر، پذیرش، حمایت، ثبات، همدلی و عشق و محبت برآورده نشده است .

طرحواره هایی که در این حیطة قرار می گیرند، عبارتند از :

۱- **رها شدن – بی ثباتی** : بیماران دارای این نوع طرح واره بر این باورند که افراد مهم در زندگی آنها ارتباطات خود را با آنها ادامه نمی دهند و انتظار ترک شدن از جانب دیگران را دارند.

۲- **محرومیت هیجانی** : افراد دارای این طرح واره انتظار دارند که نیازهای هیجانی طبیعی آنها توسط افراد مهم زندگی شان، به طور کافی برآورده نخواهد شد. سه شکل محرومیت هیجانی وجود دارد : محرومیت از محبت، محرومیت از همدلی و محرومیت از حمایت

۳- **بی اعتمادی – بد رفتاری** : این بیماران معتقدند که دیگران آزار دهنده، صدمه رساننده، متقلب، دروغگو، بی صداقت هستند.

۴- **نقص داشتن – شرم** : افراد دارای این طرح واره معتقدند که افرادی حقیر، پست، بی ارزش و بد هستند و دیگران آنها را دوست ندارند. به همین دلیل در درون خود احساس پرخاشگری و بی ارزشی دارند و احساساتی همچون دوست نداشتنی بودن را تجربه می کنند.

۵- **انزوای اجتماعی – بیگانگی** : در این طرحواره، فرد این تجربه ذهنی را دارد که به نوعی از دیگران متفاوت است و متعلق به گروه یا دسته ای نیست و با دیگران فرق دارد.

## حوزه دو: خود گردانی و عملکرد مختل

در طول دوره کودکی خانواده ی این افراد در کارهای کودک بسیار دخالت می کردند و به طور افراطی، حمایت کننده بودند. این بیماران در شکل دادن یک هویت مستقل دچار اشکال هستند .

۶- **وابستگی – بی کفایتی** : افراد دارای این طرح واره، در پذیرفتن مسئولیت های روزانه بدون کمک دیگران احساس ناتوانی می کنند.

---

<sup>1</sup> Plats



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷- آسیب پذیری در برابر صدمه یا بیماری : محتوای این طرحواره حاوی ترس اغراق آمیز و فاجعه آمیز کردن هر نوع ضربه، و ناتوانی در کنار آمدن با صدمه یا بیماری است.

۸- گرفتار - خود تحول نیافته : این طرح واره، غالب اوقات شامل درگیر شدن هیجانی افراطی و نزدیکی بیش از حد فرد با دیگران است. این بیماران باور دارند که فردیت بهم ریخته ای دارند و در نتیجه، بدون حمایت مستمر دیگران قادر نخواهند بود که عملکرد مناسبی داشته باشند و به زندگی خود ادامه دهند.

۹- شکست : در این طرحواره، باور بر این است که فرد به طور غیر قابل اجتنابی در زمینه های مختلف شکست خواهد خورد، و نمی تواند به سبک با کفایتی به حد هممتایان خود برسد .

## حوزه سه: محدودیت های مختل

نقص در حد و مرزهای درونی، بی مسئولیتی در قبال دیگران و یا فقدان هدف گزینی طولانی مدت از مشخصه های این حیطه است. خانواده های این افراد، اغلب خانواده های بسیار دخالت کننده، سهل گیر و القای حس برتر بودن در فرد می باشند.

۱۰- محق بودن - بزرگ منشی : در این طرح واره، فرد معتقد است که از دیگران بالاتر و ارجح تر است و معمولاً، این بیماران هر کاری را در هر زمانی که دوست داشته باشند، بدون در نظر گرفتن واقعیت های موجود و ضرر به دیگران، انجام می دهند و به منظور کسب قدرت یا کنترل، تاکید اغراق آمیزی بر برتر بودن خود دارند.

۱۱- خویشتن داری ناکافی - خود انضباطی ناکارآمد : افراد دارای این طرح واره نمی توانند به طور کارآمدی خود را کنترل کنند و در صورت ناکامی، به صورت بسیار افراطی هیجان های خود را بیان می کنند و تکانشی رفتار می کنند.

## حوزه چهار: هدایت شدن توسط دیگران (دیگر جهت مندی)

بیمارانی که در این حیطه قرار می گیرند تاکید زیادی بر ارضای نیازهای دیگران در مقایسه با نیازهای خودشان دارند و این کار را برای کسب تائید، حفظ ارتباط عاطفی و اجتناب از تنبیه انجام می دهند. خانواده هایی که این بیماران در آن رشد یافته اند، خانواده هایی هستند که پذیرش شرطی را برای کودکان فراهم کرده اند.

۱۲- اطاعت : در این طرحواره، فرد خود را در کنترل اغراق آمیز از جانب دیگران احساس می کند که به دو شکل ظاهر می شود: ۱- اطاعت از نیازها؛ ۲- اطاعت از هیجان ها .

این بیماران بر این باورند که آرزوها، نقطه نظرات و احساسهای آنها بی ارزش هستند یا برای دیگران مهم نیستند. معمولاً این وضعیت منجر به خشم، که خود را با علائم ناسازگارانه مثل رفتارهای پرخاشگر- منفعل، علائم روان تنی، برون ریزی و سومصرف مواد نشان می دهد، آشکار می گردد .



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۱۳-ایثار : در این طرحواره، فرد به طور داوطلبانه به دنبال ارضای نیازهای دیگران است، حتی اگر نیازهای خودش برآورده نشود.

۱۴-تأیید جویی – جلب توجه : تجربه ذهنی فرد از اعتماد بنفس خودش، به طور بنیادین به واکنش های دیگران بستگی دارد.

## حوزه پنج: گوش به زنگی بیش از حد و بازداری

در این حیطة، تأکید افراطی بر سرکوبی احساسهای خود انگیخته، تکانه ها و انتخاب ها و پیروی از قوانین غیر قابل انعطاف و تدوین شده است. خانواده ای که این افراد در آن پرورش یافته اند معمولاً تنبیه کننده، کمال گرا، پیرو قوانین، سرکوب کننده هیجان ها و اجتناب از خطا، شادی و آرامش بوده است .

۱۵-منفی گرایی – بدبینی : در این طرحواره، تمرکز مستمر و نافذی بر جنبه های منفی زندگی وجود دارد و در عین حال، جنبه های مثبت زندگی کوچک شمرده می شوند یا نادیده گرفته می شود.

۱۶-بازداری هیجانی : در این طرحواره، فرد احساسات، ارتباطات و رفتارهای خود انگیخته خود را محدود می سازد.

۱۷-معیارهای سرسختانه – عیب جویی افراطی : باور زیر بنایی در این طرحواره این است که فرد باید تمامی تلاش خود را انجام دهد تا بتواند به استاندارد های درونی شده بسیار سخت برسد و این کار معمولاً برای جلوگیری از انتقاد صورت می گیرد.

۱۸-تنبیه : در این طرحواره اعتقاد بر این است که فرد هنگامی که خطایی مرتکب شده، باید شدیداً تنبیه شود و در قبال افرادی که استانداردها را رعایت نمی کنند، شدیداً پرخاشگر، بی تحمل، تنبیه کننده و خشمگین است. ( یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

برانگیختگی طرحواره (ناکامی یک نیاز هیجانی اساسی و هیجان های همراه با آن) تهدیدی است برای فرد که باید با سبک مقابله ای خاصی به آن پاسخ دهد. (یانگ و همکاران، ۱۹۵۰). سبک مقابله ای، فرآیندی است که به وسیله آن افراد مسائل ناشی از استرس و هیجان منفی ایجاد شده را تحت کنترل خود در می آورند و به طور کلی، به تلاش های شناختی و رفتاری برای جلوگیری، مدیریت و کاهش تنیدگی اطلاق می شود ( پنلی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). در این پژوهش سه سبک مقابله ای مساله مدار، هیجان مدار و اجتنابی که توسط اندل<sup>۲</sup> و پارکر<sup>۳</sup> معرفی شده اند، مورد ارزیابی قرار گرفته اند. سبک مقابله ای مساله مدار : در سبک مقابله مسأله مدار فرد متمرکز بر مسأله است . در این سبک فرد به جمع آوری اطلاعات مربوط به حادثه فشار زا می پردازد و با ارزیابی منابع در دسترس خود، طرح و برنامه ای آماده می کند.

سبک مقابله ای هیجان مدار : مقابله هیجان مدار بر کنترل هیجانها و واکنش های عاطفی تأکید می کند، افراد در این سبک، با برخورد هیجانی و با گریه کردن، عصبانی شدن و فریاد زدن با فشار روانی مقابله می کنند .

<sup>1</sup> Penley

<sup>2</sup> Endler

<sup>3</sup> Endler



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

سبک مقابله ای اجتناب : در سبک مقابله اجتنابی، فرد سعی در دور شدن از موقعیت فشار آور دارد و با فاصله گرفتن از مشکل ، اقدام به فرار و اجتناب کرده و برای دریافت حمایت عاطفی تلاش می کند (اندلر و پارکر، ۱۹۹۰).

پژوهش ها ثابت کردند که بین سبک مقابله ای و سلامت روانی رابطه وجود دارد. ۶۹ درصد از واریانس سلامت روانی توسط سبک های مقابله ای قابل تبیین است ( کیانی و آقا پور، ۱۳۸۹). همچنین پژوهشگران بین سبک های مقابله ای هیجان مدار و اجتناب مدار با رفتار پر خطر در دانش آموزان ( قره داغی و همکاران، ۱۳۹۱) و بین ویژگی شخصیتی روان نژندی با سبک مقابله ای گریز- اجتناب ( جعفری و همکاران، ۱۳۹۱) و همچنین بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده و خود پنداره با مؤلفه های سبک های مقابله ای ( طاهری و همکاران، ۱۳۹۱)، رابطه معنادار و مستقیم یافتند. نوربالا و همکارانش (۱۳۹۳) طی پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که هر دو سبک مقابله ای اجتناب و جبران افراطی تاثیر منفی بر سلامت عمومی دارند، اما در صورت غلبه ی سبک مقابله ای جبران افراطی در مواجهه با مشکلات، آسیب بیشتری از نظر جسمانی و روانی به افراد وارد می شود. همچنین مطالعه ی عارفی و همکارانش (۱۳۹۵) نشان داد که افراد مبتلا به بیماری های قلبی سرپایی نسبت به افراد سالم در مقابله با مشکلات بیشتر از سبک مقابله ای هیجان مدار استفاده می کنند. تریودی<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۰۹)، نیز نشان دادند که استفاده کمتر از مهارت های مسأله مدار، تأثیر منفی بر روی بهزیستی روانشناختی دارد. در این مطالعه ۲۲۲ بیمار قلبی که از مقابله هیجان مدار استفاده کرده بودند استرس های روانشناختی سطح بالایی را تجربه کردند.

در زمینه ترتیب تولد نیز تحقیقات زیادی صورت گرفته برای مثال قنبری هاشم آبادی ( ۱۳۸۷ ) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که بین عزت نفس و ترتیب تولد رابطه ی معناداری وجود دارد به طوری که عزت نفس فرزندان آخر بیشتر از فرزندان وسط و عزت نفس فرزندان وسط بیشتر از فرزندان اول است. در پژوهش مقایسه ای که دکتر احمد برجلی و همکارانش (۱۳۸۸) انجام دادند به این نکته دست یافتند که ترتیب تولد در وابستگی به مواد مخدر نیز می تواند دخیل باشد از ۱۰۰ فرد معتاد به مواد مخدر که در پژوهش شرکت کرده بودند ۷۱ نفر فرزند وسط بودند که تفاوت معنی داری با گروه افراد سالم داشت. در پژوهش های دیگر داخلی، پژوهش گران رابطه معنی داری بین ترتیب تولد و علائق و انتخاب های شغلی نوجوانان ( جعفری و همکاران، ۱۳۸۹)، صفات روان گسستگی (محمد زاده، ۱۳۸۷)، سبک های زندگی (کافی و همکاران، ۱۳۹۲)، ویژگی های شخصیتی (پور رضاییان و پور رضاییان، ۱۳۹۲)، بدست آورده اند.

از پژوهشگرانی که اثر ترتیب تولد را در خارج از کشور مطالعه نموده، سالووی است که در اکثر پژوهشهای انجام شده با موضوع ترتیب تولد از پژوهش او یاد شده است. سالووی<sup>۲</sup> ( ۱۹۹۶ ) در پژوهش خود ویژگی هایی برای فرزندان اول و فرزندان بعد از او ذکر کرده، که بسیار شبیه به نظر آدلر در این باره است.

هرا<sup>۳</sup> و زاجونک<sup>۴</sup> ( ۲۰۰۳ ) نشان دادند که از دیدگاه مردم فرزندان اول باهوش تر، مسئول تر، مطیع تر و استوار تر هستند، در حالی که کمتر خلاق و احساسی می باشند، فرزندان میانی حسود و فرزندان آخر خلاق تر ، احساسی تر، برون گرا تر، نافرمان، غیر مسئول و پر حرف هستند.

<sup>1</sup> Trivedi

<sup>2</sup> Sulloway

<sup>3</sup> Herrera

<sup>4</sup> Zajonc



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

اکستین<sup>۴</sup> و همکارانش (۲۰۱۰) نشان دادند که موفقیت و پیشرفت بالا در فرزندان اول، نیاز به پیشرفت در تک فرزندان، معاشرتی بودن زیاد در فرزندان میانی و علاقه اجتماعی در فرزندان آخر مشاهده می شود. بر اساس پژوهش گفروور<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۳) تک فرزند بودن با سبک زندگی محتاط بودن و مستحق بودن رابطه مثبت و با سبک زندگی کنار آمدن رابطه منفی دارد. فرزند اول بودن با سبک های مسئولیت پذیری، نیاز به تایید و کوشش برای رسیدن به کمال رابطه مثبت دارد. فرزند میانی بودن با سبک زندگی محطاطانه و سخت گیرانه رابطه مثبت و با سبک های علاقه اجتماعی و کنار آمدن و کوشش برای رسیدن به کمال رابطه منفی دارد و بین فرزند آخر بودن با سبک های علاقه اجتماعی، مستحق بودن و کوشش برای رسیدن به کمال همبستگی منفی وجود دارد.

ملیسا<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۰۸)، نیز به این نتیجه رسیدند که بین برون گرایی و درون گرایی و ترتیب تولد رابطه معنی داری وجود دارد. به این ترتیب که فرزندان آخر و سه فرزند آخر خانواده برون گرا تر از فرزندان اول و سه فرزند اول خانواده هستند.

در رابطه با طرحواره های ناسازگار اولیه باید گفت که پژوهش ها رابطه معنادار بین طرحواره های ناسازگار اولیه با گرایش به سوء مصرف مواد (منصوری جلیلان و یزدانبخش، ۱۳۹۳)، روابط اعتیاد گونه در زنان (رضایی نسب و همکارانش، ۱۳۹۲)، وابستگی و استقلال نوجوانان (سپاه منصور و همکارانش، ۱۳۹۳)، صفت شخصیتی روان رنجور خوبی (بهرامی زاده و بهرامی احسان، ۱۳۹۲)، تقاضای طلاق در زنان (نجفی و همکارانش، ۱۳۹۴)، ترس، اجتناب و ناراحتی های فیزیولوژیک (عمو زاده و همکاران، ۱۳۹۲) و اختلال شخصیت مرزی (محمد امینی و همکاران، ۱۳۹۴) را ثابت کرده اند.

راینر<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) در بررسی رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه با شیوه های فرزند پروری، نشان داده که تمام سبک های فرزند پروری قابلیت پیش بینی طرحواره های ناسازگار را دارند. ولبرن<sup>۳</sup> (۲۰۰۲)، در تحقیقی که روی یک جمعیت ۱۹۶ نفری در یک بیمارستان روانپزشکی انجام داد نشان داد طرحواره ها قوی ترین پیش بینی کننده های علائم روانی نظیر اضطراب، افسردگی، پارانویید و سوء مصرف مواد می باشند. والر<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)، نیز نشان داد زنان مبتلا به اختلال پرخوری در مقایسه با زنان گروه شاهد، در اغلب طرحواره ها به جز ایثار، اطاعت و خویشتنداری ناکافی نمرات بیشتری کسب میکنند. پژوهشگران بین طرحواره های ناسازگار اولیه و اعتیاد به مواد مخدر نیز رابطه معنی دار یافتند، برای نمونه دل<sup>۵</sup> و همکارانش (۲۰۱۰)، نشان دادند که افراد معتاد در مقایسه با جمعیت غیر معتاد آسیب های روانی و طرحواره های ناسازگار بیشتری دارند.

واضح است که پژوهشات زیادی حول هر سه موضوع ترتیب تولد، سبک های مقابله ای و طرحواره های ناسازگار اولیه انجام شده اما با توجه به اهمیت موضوعات گفته شده، پاسخ به این سوال که آیا

طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های مقابله ای، تحت تاثیر عامل رتبه تولدی قرار دارند یا خیر، می تواند کمک قابل توجهی به شناخت بهتر عوامل تاثیر گذار بر دو مفهوم گفته شده داشته باشد.

امید است با شناسایی طرحواره هایی که در رتبه تولدی خاصی بیشتر است، گامی نو در عوامل موثر بر بوجود آمدن طرحواره ای خاص برداریم و با اندیشیدن تدابیر لازم از بوجود آمدن طرحواره ناسازگار در کودکانمان جلوگیری کنیم. همچنین با

<sup>1</sup> Melissa

<sup>2</sup> Rayner

<sup>3</sup> Welburn

<sup>4</sup> Waller





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

دانستن اینکه کدام طرحواره ها و سبک های مقابله ای در کدام رتبه های تولد بیشتر دیده می شود جمعیت خطر برای نوع خاصی از طرحواره شناسایی شده و همچنین روان شناس یا مشاور می تواند با دانستن رتبه تولد فرد حدس قوی تری در مورد طرحواره های ناسازگار کودکی و سبک مقابله ای احتمالی فرد داشته باشد. از اهداف فرعی این مطالعه می توان به دانستن رابطه ی احتمالی بین سبک مقابله ای و ترتیب تولد اشاره کرد، با کشف این رابطه می توان در باب ریشه های روان پویایی انتخاب سبک مقابله ای خاص نیز حدس هایی زد.

## روش

تحقیق حاضر یک تحقیق گذشته نگر یا پس رویدادی محسوب می شود. این روش اولین بار توسط چاچین<sup>1</sup> در سال ۱۹۳۷ و بعد ها توسط گروین<sup>2</sup> (۱۹۴۵) به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. متغیر مستقل در این پژوهش ترتیب تولد بوده و متغیر های سبک های مقابله ای و طرحواره های ناسازگار اولیه متغیر های وابسته محسوب میشوند. همچنین عامل جنسیت نیز به عنوان متغیر تعدیل کننده مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه ی تحقیق در این پژوهش، دانش آموزان دختر و پسر مقطع پیش دانشگاهی در حال تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۶ - ۹۷ هستند که در مدارس عادی دولتی نظری شهر قائمشهر تحصیل می کنند. تعداد کل دانش آموزان جامعه ی تحقیق ۱۳۴۸ نفر است که به تفکیک جنسیت ۸۴۵ نفر دختر و ۵۰۳ نفر پسر هستند، به عبارتی ۶۲/۶۸ درصد از جمعیت جامعه را دانش آموزان دختر و ۳۷/۳۱ درصد را دانش آموزان پسر تشکیل می دهند.

روش نمونه گیری در این پژوهش نمونه گیری خوشه ای ساده بود. در نمونه گیری خوشه ای واحد اندازه گیری فرد نیست بلکه گروهی از افراد هستند که به صورت طبیعی شکل گرفته و گروه خود را تشکیل داده اند. نمونه گیری خوشه ای زمانی به کار می رود که انتخاب گروهی از افراد امکان پذیر و آسانتر از انتخاب افراد در یک جامعه تعریف شده باشند (دلاور، ۱۳۷۴).

با مراجعه به جدول نمونه گیری مورگان و با توجه به امکان ریزش آزمودنی ها، تعداد ۳۱۰ نفر نمونه انتخاب شدند. که با توجه به درصد جنسیت ها ۱۱۶ نفر از دانش آموزان پسر و ۱۹۵ نفر از دانش آموزان دختر بودند.

برای انتخاب اعضای نمونه به اداره آموزش و پرورش شهرستان قائمشهر مراجعه شد و تعداد ۸ مدرسه ( ۴ مدرسه دخترانه و ۴ مدرسه پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب شدند.

به منظور کنترل تاثیر متغیر های مزاحم در تحقیق سعی شد در حد امکان متغیر های مزاحم تبدیل به متغیر های کنترل و تعدیل کننده شود. بر همین اساس متغیر های جنسیت، سن، موقعیت جغرافیایی، سال تحصیلی، هوش ( عدم استفاده از مدارس ویژه)، و .... کنترل شده و اثر مزاحمی روی نتیجه تحقیق نگذاشته اند.

## پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه :

پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ ( Young Schema Questionnaire ) ، یک ابزار خود گزارش دهی برای سنجش طرحواره ها است. فرد بر اساس توصیف هر جمله خود را در یک مقیاس لیکرت شش درجه ای مورد سنجش قرار می دهد. اگر فرد سه یا چهار نمره بالا در یک طرحواره بگیرد معمولاً از نظر بالینی به معنای وجود این طرحواره در ذهن بیمار است. این پرسش نامه دارای یک فرم بلند ۲۰۵ سؤالی و دو فرم کوتاه ۷۵ سؤالی و ۹۰ سؤالی می باشد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

در این پژوهش از فرم کوتاه ۹۰ سؤالی (YSQ3)، استفاده می شود که گیاهی و همکاران ساختار عاملی این پرسش نامه را مورد بررسی قرار داده اند. بنابر نتایج ارائه شده ضریب آلفای کربناخ ۰/۹۴ میزان ویژگی بین ۰/۵۷ تا ۰/۷۳ میزان حساسیت تبیین ۰/۵۱ تا ۰/۶۴/۶۰ و میزان روایی همزمان ۰/۶۴ برای عامل های استخراج شده می باشد (گیاهی و همکاران، ۱۳۹۰).

## پرسشنامه مقابله با موقعیت های فشارزا:

این پرسشنامه توسط اندلر و پارکر (۱۹۹۰) تهیه شده و به وسیله اکبرزاده (۱۳۷۶) ترجمه شده است. این تست شامل ۴۸ ماده است که پاسخها به روش لیکرت از هرگز (۱) تا همیشه (۵) مشخص شده است. پرسشنامه CISS سه زمینه ی اصلی رفتارهای مقابله ای را در برمی گیرد:

۱-مقابله مساله مدار یا برخورد فعال با مساله در جهت مدیریت وحل آن.

۲-مقابله هیجان مدار یا تمرکز بر پاسخ های هیجانی به مساله.

۳-مقابله اجتنابی یا فرار از مساله.

حداکثرنمره برای هر ماده ۵ و حداقل ۱ می باشد و هر کدام از رفتارها نمره ی بالاتری را کسب کند، آن رفتار به عنوان شیوه رویارویی فرد در نظر گرفته می شود(اندلر و پارکر ۱۹۹۰، به نقل از حاجت بیگی ۱۳۷۹).

بیاره (۲۰۰۸) ضریب پایایی برای سبک های مسأله مدار، اجتنابی و هیجان مدار را به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۷۳ و ۰/۷۸ به دست آورد (به نقل از طاهری و همکاران، ۱۳۹۱). روایی پرسشنامه مذکور نیز طی تحقیقاتی که در ایران انجام شده ثابت گردیده است. به منظور محاسبه همبستگی عوامل پرسشنامه مقابله با استرس از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردیده و نتایج ذیل به دست آمده است (به نقل از حاجت بیگی، ۱۳۷۹).

اجتنابی ۰/۹۳

هیجان مدار ۰/۵۵

مساله مدار ۰/۵۸

دو پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ و سبک های مقابله ای اندلر و پارکر توسط دانش آموزان پر شده و توسط محقق نمره گذاری شد. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

برای تحلیل نتایج در ابتدا برای آزمون برابری واریانس ها آزمون همگنی واریانس انجام و برابری واریانس ها تایید شد. سپس برای مقایسه میانگین ۴ رتبه تولدی و همچنین مقایسه دو متغیر در دانش آموزان دختر و پسر، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه one-way Anova استفاده شد.

## یافته ها

برای توصیف و شناخت بهتر جمعیت نمونه ویژگی های جمعیت شناختی این گروه را در ابتدای این فصل شرح داده ایم. تعداد و درصد فراوانی تعداد فرزند، در خانواده های افراد شرکت کننده در پژوهش را در جدول زیر می بینیم.

جدول ۱: تعداد و درصد فراوانی تعداد فرزند در خانواده های دختر ها و پسر ها:



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

پسر		دختر		
درصد فراوانی	تعداد	درصد فراوانی	تعداد	
5.17	6	۸,۷۱	۱۷	تک فرزند
68.10	79	۵۸,۹۷	۱۱۵	۲ فرزند
26.72	31	۳۲,۳۰	۶۳	۳ فرزند و بیشتر
100	116	۱۰۰	۱۹۵	جمع

از نظر رتبه ی تولدی باید گفت بیش از ۷۵ درصد جمعیت نمونه را فرزندان اول و آخر تشکیل می دادند که با توجه به تعداد زیاد خانواده های دو فرزندی، این امار دور از انتظار نبود.

جدول ۲: تعداد و درصد فراوانی ۴ رتبه تولدی در دخترها و پسرها:

پسر		دختر		
درصد فراوانی	تعداد	درصد فراوانی	تعداد	
46.55	54	۴۱,۵۳	۸۱	فرزند اول
2.58	3	۱۲,۳۰	۲۴	فرزند وسط
45.68	53	۳۷,۴۳	۷۳	فرزند آخر
5.17	6	۸,۷۱	۱۷	تک فرزند
100	116	۱۰۰	۱۹۵	جمع

انحراف معیار و میانگین طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های مقابله ای را در رتبه های تولدی مختلف در جدول زیر مشاهده میکنید. ملاحظه می کنید که در بعضی موارد اختلاف قابل توجه است، در ادامه ی فصل معناداری یا عدم معناداری اختلاف ها بررسی خواهد شد:

جدول ۳: انحراف معیار و میانگین طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های مقابله ای ۴ رتبه تولدی در دخترها:

طرحواره	فرزند اول		فرزند وسط		فرزند آخر		تک فرزند
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
محرومیت هیجانی	۱۱,۷۹	۵,۹۷۲	۱۲,۲۲	۳,۳۴۶	۱۲,۱۵	۵,۳۳۶	11.09
رها شدگی / بی ثباتی	۱۴,۰۸	۵,۸۱۴	۱۲,۷۸	۵,۳۳۳	۱۳,۶۴	۵,۱۴۳	13.36
بی اعتمادی	۱۱,۷۳	۴,۵۰۸	۱۱,۵۶	۲,۷۴۴	۱۲,۹۶	۴,۳۷۶	12.73
انزوای اجتماعی / بیگانگی	۱۱,۵۲	۴,۹۰۹	۱۲,۰۰	۵,۱۴۸	۱۱,۸۹	۴,۴۵۴	13.18
نقص / شرم	۹,۰۴	۴,۶۴۰	۷,۸۹	۳,۷۹۰	۸,۴۵	۴,۲۹۸	9.18
شکست	۱۰,۰۶	۵,۷۸۵	۷,۰۰	۲,۲۳۶	۱۰,۲۳	۵,۲۲۶	10.91
وابستگی	۱۰,۱۵	۴,۶۷۹	۸,۲۲	۲,۹۰۶	۹,۲۶	۳,۶۳۸	11.09
آسیب پذیری نسبت به ضرر و	۱۰,۶۰	۴,۴۲۵	۹,۵۶	۲,۰۰۷	۱۱,۱۹	۴,۵۸۶	13.18



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



								بیماری
4.081	12.36	۳,۷۱۷	۱۱,۷۲	۲,۹۵۸	۱۱,۰۰	۴,۱۲۱	۱۰,۱۹	گرفتار/ خویشتن تحول نیافته
5.600	10.18	۳,۹۰۰	۹,۵۵	۲,۷۷۴	۷,۲۲	۳,۹۳۲	۹,۳۸	اطاعت
4.501	14.64	۳,۷۶۰	۱۴,۷۷	۳,۲۴۰	۱۶,۶۷	۴,۴۸۶	۱۳,۷۳	ایثارگری
5.437	15.18	۴,۸۶۵	۱۲,۸۳	۵,۷۴۵	۱۵,۰۰	۵,۷۶۹	۱۲,۸۳	بازداری هیجانی
3.875	20.73	۴,۴۶۰	۱۹,۰۲	۲,۸۶۳	۲۰,۷۸	۵,۹۲۸	۱۷,۶۳	معیار های سخت گیرانه
4.781	20.64	۵,۵۶۴	۱۷,۳۰	۵,۶۴۵	۲۰,۸۹	۴,۹۲۷	۱۸,۰۰	استحقاق/ بزرگ منشی
3.995	16.18	۳,۷۷۶	۱۴,۹۶	۵,۱۰۲	۱۸,۴۴	۴,۷۰۲	۱۴,۶۷	خویشتن داری/ خود انضباطی ناکافی
2.343	16.91	۵,۷۵۴	۱۷,۳۸	۴,۸۳۳	۱۶,۸۹	۵,۴۹۴	۱۶,۸۸	پذیرش جویی/ جلب توجه
6.441	14.91	۴,۷۹۸	۱۴,۲۶	۳,۱۶۷	۱۱,۴۴	۴,۸۴۶	۱۳,۶۷	منفی گرای/ بد بینی
4.061	14.09	۴,۹۰۶	۱۲,۱۳	۴,۷۱۱	۱۰,۷۸	۴,۰۸۰	۱۱,۰۲	تنبیه
12.365	53.09	۱۰,۷۴۲	۵۳,۵۷	۱۱,۱۸۰	۵۵,۳۳	۱۱,۲۰۵	۵۴,۵۸	مساله مدار
9.460	48.91	۹,۹۷۷	۴۶,۷۷	۷,۲۷۶	۴۲,۲۲	۱۰,۶۵۰	۴۴,۵۴	هیجان مدار
8.686	45.36	۹,۸۶۶	۴۳,۷۲	۸,۲۶۱	۳۸,۶۷	۱۰,۴۲۷	۴۳,۳۹	اجتناب

جدول 4: انحراف معیار و میانگین طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های مقابله ای ۴ رتبه تولدی در پسرها:

طرحواره	فرزند اول		فرزند وسط		فرزند آخر		تک فرزند	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
محرومیت هیجانی	12.73	5.005	18.00	4.243	11.63	4.174	9.80	2.387
رها شدگی/ بی ثباتی	14.95	5.801	16.00	2.828	13.30	5.557	18.00	1.414
بی اعتمادی/ بد رفتاری	12.59	5.234	18.33	2.121	10.90	4.241	13.80	3.701
انزوای اجتماعی/ بیگانگی	11.29	4.971	11.00	1.414	10.60	4.407	11.00	4.183
نقص/ شرم	9.41	4.620	12.00	5.657	8.18	3.615	10.40	5.771
شکست	10.44	4.765	11.33	3.536	8.63	3.733	10.60	5.857
وابستگی	9.90	4.673	12.00	2.828	9.38	3.933	10.60	2.881
آسیب پذیری نسبت به ضرر و بیماری	12.54	6.005	12.66	.707	11.00	4.701	17.00	4.743
گرفتار/ خویشتن تحول نیافته	12.34	3.845	12.66	3.536	11.88	4.256	10.40	3.782
اطاعت	10.20	4.589	12.33	.707	9.43	4.230	10.20	3.701
ایثارگری	15.20	4.540	17.00	1.414	14.80	4.485	15.40	1.949
بازداری هیجانی	13.00	5.104	14.33	3.536	12.23	3.990	15.60	3.782
معیار های سخت گیرانه	20.05	4.364	20.66	6.364	18.58	3.658	21.40	5.814
استحقاق/ بزرگ منشی	17.59	4.637	19.66	4.950	16.50	3.479	17.60	2.966
خویشتن داری/ خود انضباطی ناکافی	14.39	4.785	16.66	.707	12.93	3.640	16.00	3.742
پذیرش جویی/ جلب توجه	17.90	4.488	21.66	4.950	16.60	5.509	22.40	6.066
منفی گرای/ بدبینی	15.10	5.338	19.00	1.414	12.85	3.860	16.20	6.017
تنبیه	14.07	5.164	15.33	3.536	12.43	5.252	13.60	3.782
مساله مدار	58.27	8.237	53.66	10.607	54.25	8.664	53.20	11.777



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

8.124	48.00	8.345	41.45	3.536	39.00	8.910	45.10	هیجان مدار
6.107	41.60	6.632	38.63	9.899	40.00	8.978	40.46	اجتناب

در ابتدا برای آزمون برابری واریانس ها آزمون همگنی واریانس انجام و برابری واریانس ها تایید شد.

همچنین در آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، تفاوت معنی داری در طرحواره های خویشتن داری/خود انضباطی ناکافی و تنبیه بین دانش آموزان دختر و پسر مشاهده شد به این صورت که خود انضباطی کافی بیشتر در دخترها و طرحواره ی تنبیه بیشتر در پسر ها دیده می شود. تفاوت در سایر طرحواره ها معنی دار نبوده است.

جدول ۵: معنی داری تفاوت طرحواره های ناسازگار اولیه در دختر ها و پسر ها

Sig.	میانگین نمره دانش آموزان پسر	میانگین نمره دانش آموزان دختر	
۰/۵۴۰	12.18	11.75	محرومیت هیجانی
۰/۴۴۴	14.40	13.82	رها شدگی/ بی ثباتی
۰/۸۷۹	12.02	12.12	بی اعتمادی/ بد رفتاری
۰/۲۳۹	10.95	11.71	انزوای اجتماعی/ بیگانگی
۰/۶۲۰	8.97	8.67	نقص/ شرم
۰/۶۲۶	9.65	9.98	شکست
۰/۹۲۰	9.75	9.69	وابستگی
۰/۰۹۱	12.09	10.92	آسیب پذیری نسبت به ضرر و بیماری
۰/۰۶۱	12.02	10.99	گرفتار/ خویشتن تحول نیافته
۰/۲۷۶	9.90	9.29	اطاعت
۰/۲۲۵	15.07	14.36	ایثارگری
۰/۶۰۹	12.83	13.19	بازداری هیجانی
۰/۲۲۲	19.47	18.67	معیار های سخت گیرانه
۰/۱۷۲	17.14	18.05	استحقاق/ بزرگ منشی
۰/۰۱۷	13.86	15.33	خویشتن داری/ خود انضباطی ناکافی
۰/۵۰۴	17.65	17.16	پذیرش جویی/ جلب توجه
۰/۴۷۹	14.23	13.75	منفی گرایی/ بدبینی
۰/۰۱۶	13.33	11.71	تنبیه

در سبک های مقابله ای نیز سبک مقابله ای (اجتنابی) توسط دختر ها بسیار بیشتر از پسر ها مورد استفاده قرار می گیرد. نتیجه ی آزمون را در جدول زیر مشاهده می کنید :

جدول ۶: معنی داری تفاوت سبک های مقابل های در دختر ها و پسر ها:

Sig.	میانگین نمره دانش آموزان پسر	میانگین نمره دانش آموزان دختر	
۰/۱۸۴	56.05	54.17	مساله مدار
۰/۱۰۱	43.48	45.66	هیجان مدار
۰/۰۰۲	39.68	43.50	اجتناب



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

برای مقایسه میانگین ۴ رتبه تولدی و تعیین معنی داری آن، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه one-way Anova استفاده شد. در آزمون معنی داری برای همه ی طرحواره ها نمره کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد به این معنی که تفاوت بین گروه ها معنی دار نبوده و فرض صفر تایید می شود، بنابراین طرحواره های ناسازگار اولیه در فرزندان اول ، میانی ، آخر و تک فرزند دختر تفاوت معنی داری با هم ندارند. نتایج مشابه برایش آموزش پسر نیز به دست آمد. نتایج به دست آمده را در جدول زیر می توانید ببینید.

جدول ۷: معنی داری تفاوت بین طرحواره های ناسازگار اولیه ۴ رتبه تولدی در دخترها و پسرها

Sig.		
پسر	دختر	
۰/۱۲۵	۰/۷۲۵	محرومیت هیجانی
۰/۲۴۱	۰/۹۱۰	رها شدگی/ بی ثباتی
۰/۰۶۸	۰/۲۱۷	بی اعتمادی/ بد رفتاری
۰/۹۳۰	۰/۵۳۲	انزوای اجتماعی/ بیگانگی
۰/۳۴۰	۰/۸۵۴	نقص/ شرم
۰/۲۵۵	۰/۵۱۶	شکست
۰/۷۷۱	۰/۴۶۶	وابستگی
۰/۱۱۱	۰/۳۶۱	آسیب پذیری نسبت به ضرر و بیماری
۰/۷۶۶	۰/۲۱۸	گرفتار/ خویشتن تحول نیافته
۰/۷۰۷	۰/۴۱۶	اطاعت
۰/۸۹۷	۰/۲۴۱	ایثارگری
۰/۴۱۳	۰/۵۷۱	بازداری هیجانی
۰/۲۸۸	۰/۱۹۹	معیار های سخت گیرانه
۰/۵۳۲	۰/۱۰۱	استحقاق/ بزرگ منشی
۰/۲۰۳	۰/۱۰۱	خویشتن داری/ خود انضباطی ناکافی
۰/۰۶۹	۰/۹۵۷	پذیرش جویی/ جلب توجه
۰/۰۵۹	۰/۴۱۲	منفی گرایی/ بدبینی
۰/۴۸۴	۰/۲۸۱	تنبیه

همچنین سبک های مقابله ای نیز در فرزندان اول ، میانی ، آخر و تک فرزند پسر تفاوت معنی داری با هم ندارند.

جدول ۸: معنی داری تفاوت بین سبک های مقابله ای ۴ رتبه تولدی در دخترها و پسرها:

Sig.		
پسر	دختر	
۰/۱۷۱	۰/۹۷۳	مساله مدار
۰/۱۴۶	۰/۴۹۸	هیجان مدار
۰/۶۹۹	۰/۵۵۶	اجتناب



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

پس از تایید نشدن تفاوت سبک های مقابله ای و طرحواره های ناسازگار اولیه بین ۴ رتبه تولدی، تفاوت این دو متغیر را در هر رتبه تولدی در دختر ها و پسر ها به طور جدا گانه مورد بررسی قرار دادیم و به نتایج قابل توجهی دست یافتیم. در آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، تفاوت معنی داری در ۴ طرحواره ی آسیب پذیری نسبت به ضرر و بیماری، خویشتن تحول نیافته/ گرفتار، معیارهای سخت گیرانه و تنبیه بین فرزندان اول دختر و پسر مشاهده شد. پسرهایی که فرزند اول خانواده بودند در هر ۴ طرحواره نمره ی بیشتری از دخترانی که فرزند اول خانواده بودند کسب کردند. این تفاوت را در جدول زیر مشاهده می کنید:

جدول ۹: معنی داری تفاوت طرحواره های ناسازگار اولیه در فرزندان اول دختر و پسر

Sig.	میانگین نمره دانش آموزان فرزند اول و پسر	میانگین نمره دانش فرزند اول و دختر	
۰/۰۳۴	12.54	۱۰,۶۰	آسیب پذیری نسبت به ضرر و بیماری
۰/۰۱۲	12.34	۱۰,۱۹	گرفتار/ خویشتن تحول نیافته
۰/۰۳۲	20.05	۱۷,۶۳	معیار های سخت گیرانه
۰/۰۰۲	14.07	۱۱,۰۲	تنبیه

نتایج، تفاوت های معنی داری در طرحواره های فرزندان دختر و پسر میانی نیز نشان داد اما با توجه به کم بودن تعداد فرزندان وسط نتیجه قابل اعتماد و تعمیم به جامعه نمی باشد. با این حال نتایج در جدول آورده شده :

جدول ۱۰: معنی داری تفاوت طرحواره های ناسازگار اولیه در فرزندان میانی دختر و پسر:

Sig.	میانگین نمره دانش آموزان فرزند میانی و پسر	میانگین نمره دانش آموزان فرزند میانی و دختر	
۰/۰۰۹	18.33	۱۱,۵۶	بی اعتمادی/ بد رفتاری
۰/۰۳۰	12.33	۷,۲۲	اطاعت
۰/۰۱۱	19.00	۱۱,۴۴	منفی گرایی/ بدبینی

همچنین در آزمون تحلیل واریانس یک طرفه، تفاوت معنی داری در طرحواره های بی اعتمادی/ بد رفتاری و خویشتن داری/ خود انضباطی ناکافی بین فرزندان آخر دختر و پسر مشاهده شد. همانطور که در جدول مشاهده می کنید، فرزندان آخر دختر نمره ی بیشتری در این دو طرحواره، نسبت به فرزندان آخر پسر کسب کرده اند :

جدول ۱۱: معنی داری تفاوت طرحواره های ناسازگار اولیه در فرزندان آخر دختر و پسر

Sig.	میانگین نمره دانش آموزان فرزند آخر و پسر	میانگین نمره دانش آموزان فرزند آخر و دختر	
۰/۰۳۰	10.90	۱۲,۹۶	بی اعتمادی/ بد رفتاری
۰/۰۱۳	12.93	۱۴,۹۶	خویشتن داری/ خود انضباطی ناکافی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مقایسه ی میانگین طرحواره های دو گروه تک فرزند های دختر و پسر، تنها در یک طرحواره تفاوت معنی داری را نشان داد. طبق این تحلیل طرحواره ی پذیرش جویی / جلب توجه در تک فرزندان پسر بیشتر از تک فرزندان دختر وجود دارد :

جدول ۱۲: معنی داری تفاوت طرحواره های ناسازگار اولیه در دختران و پسران تک فرزند:

Sig.	میانگین نمره دانش آموزان تک فرزند پسر	میانگین نمره دانش آموزان تک فرزند دختر	پذیرش جویی / جلب توجه
۰/۰۱۸	22.40	16.91	

## بحث و نتیجه گیری

طبق نتایج پژوهش، دانش آموزان دختر و پسر در هر ۴ رتبه ی تولدی در هیچ یک از طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های مقابله ای، تفاوت معنی داری با یکدیگر نداشتند می توان نتیجه گرفت که دو متغیر طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک مقابله ای تحت تاثیر ترتیب تولد افراد قرار نمی گیرند. از آنجا که یکی از عوامل تاثیر گذار بر طرحواره های ناسازگار اولیه، رفتار والدین می باشد، می توان نتیجه گرفت که رفتار کلی والدین (سهل گیر یا سخت گیر بودن، مقرراتی بودن یا پذیرش مشروط داشتن) در رابطه با فرزندان اول، میانی، آخر و تک فرزند تفاوت چندانی ندارد.

جدا از تفاوت دو جنس در طرحواره های ناسازگار اولیه، وقتی دو عامل رتبه تولدی و جنسیت با هم در نظر گرفته شد نتایج متفاوتی مشاهده شد. تفاوت معنی داری که بین طرحواره های فرزندان اول دختر و فرزندان اول پسر مشاهده شد، متفاوت از تفاوت طرحواره در دو جنس بود. به این صورت که فرزندان اولی که پسر بودند به طور معنی داری نمره بیشتری در طرحواره های آسیب پذیری نسبت به ضرر و بیماری، گرفتار/خویشتن تحول نیافته، معیار های سخت گیرانه و تنبیه داشتند. ناگفته نماند که تفاوت در طرحواره تنبیه را می توان به تفاوت دو جنس در طرحواره ها نسبت داد. با این وجود دختران به طور کلی در طرحواره ی خویشتن داری/خود انضباطی ناکافی نمره بیشتری از پسر ها کسب کرده بودند که این تفاوت در فرزندان اول دختر یافت نشد. می توان این احتمال را در نظر گرفت که دخترانی که فرزند اول هستند کمتر نازپرورده می شوند. ناگفته نماند، تفاوت در میانگین طرحواره ی تنبیه در فرزندان اول نسبت به تفاوت جنسیت به طور کلی از ۲ نمره به ۳ نمره افزایش پیدا کرده است.

در مقایسه فرزندان آخر دختر و پسر مشخص شد که فرزندان آخر دختر، به طور معنی داری نمره بیشتری در طرحواره های بی اعتمادی/ بد رفتاری و خویشتن داری/خود انضباطی ناکافی نسبت به فرزندان آخر پسر کسب کردند. اگر ناز پرورده بودن را علت طرحواره خویشتن داری/خود انضباطی ناکافی در نظر بگیریم می توانیم این تفاوت ها را توجیه کنیم. از طرفی دختر ها نسبت به پسر ها، بیشتر دارای این طرحواره هستند و از طرفی دختران آخر خانواده بیشتر این طرحواره را دارند نه دختران اول. در خانواده ها نیز بیشتر دختران آخر ناز پرورده هستند. طرحواره بی اعتمادی/ بد رفتاری نیز می تواند به علت ضعیف تر بودن دختر کوچک خانواده و احتمال بیشتر بد رفتاری با این فرزندان، پرورش یافته باشد.

اهمیت تفاوت جنسیت ها در نتایج پژوهش حاضر، بیش تر از موضوع رتبه تولدی به چشم میخورد و این نتایج احتمال فرق گذاری در تربیت دختر و پسر را بالا می برد. البته این نتیجه می تواند به علت تفاوت های جنسیتی سرشتی بین دو جنس و رفتار مقبله ای والدین با آنها نیز باشد. در هر صورت، پیشنهاد میشود عدم فرق گذاری بین دختر و پسر در آموزش های مربوط به فرزند پروری بیش از پیش گنجانده شود.





تحقیق در مورد موضوعات زیر به سایر محققین علاقمند به حوزه، پیشنهاد می شود:

- ۱- رابطه ی اندازه ی خانواده با سبک مقابله ای و طرحواره های ناسازگار اولیه
- ۲- مقایسه طرحواره های ناسازگار اولیه در فرزندان طلاق و فرزندان خانواده های عادی
- ۳- مقایسه سبک های مقابله ای و طرحواره های ناسازگار اولیه در جوامع شهری و روستایی
- ۴- رابطه ی سبک های مقابله ای و طرحواره های ناسازگار اولیه با سن افراد
- ۵- رابطه ی طرحواره ها و سبک مقابله ای والدین با طرحواره ها و سبک مقابله ای فرزندان

فهرست منابع :

- Adler, A. (1927). Individual psychology. Translated by: H, Zamany. (2011). Tehran: Pishgam. (Persian).
- Ahadi, H., & Banijamali, Sh. (1996). Basic concepts in child psychology and developmental psychology Personality theories. Tehran: Bonyad. (Persian)
- Arefi, M., Rahimi, R., Golmohammadian, M. (2016). Examining and comparing personality traits and coping styles in healthy men and women and men and women with outpatient heart disease. Journal of Sabzevar University of Medical Sciences, Volume 12, Number 2. (Persian).
- Bahramizadeh, H., Bahrami ehsan, H. (2013). Internal relationships of early maladaptive schemas and personality traits. Journal of Behavioral Science Research. pp. 219 - 227. (Persian).
- Borjali, A., Bershan, A., Dortaj, S. (2009). Investigating the role of birth order and attachment style in drug dependence. Law Enforcement and Security Quarterly. Number 3. Year 2. (Persian).
- Dale R, Power K, Kane S, et al.(2010). The role of parental bonding and early maladaptive schemas in the risk of suicidal behavior repetition. Arch Suicide Res; 14(4): 311-28.
- Delavar, A. (1995). Theoretical and practical foundations in humanities and social sciences. Roshd Publications. third edition. (Persian).
- Eckstein, D., & Aycocock, K. J., & Mark A., & Sperber, M. A., & McDonald, J., & Van Wisner, V., & Watts, R. E., & Ginsburg, P. H. (2010). A Review of Birth-order Studies: Lifestyle Characteristics. The Journal of Individual psychology, 66,408-434.
- Endler, ND., & Parker, JD. (1990). Multidimensional assessment of coping: A critical evaluation. Journal of Personality and Social Psychology;; ۵۸(۵): ۵۴-۸۴۴
- Ghanbari hashemabadi, B. (2008). Investigating the relationship between self-esteem and birth order in female students of Ferdowsi University of Mashhad. News and Research Research, Number 7, pp 117-128. (Persian).
- Gharedaghi, A., & Mahmodi, J., & Aslfatahi, B. (2012). Predicting high-risk behaviors based on religious orientation and coping style in high school female students in Marand city. women and family studies. fourth year. number 15. pages 149 to 166. (Persian).
- Ghiyasi, M., Molavi, H., Neshatdost, H. Salavaty, M. (2011). Investigating the factor structure of the Young Schema Questionnaire (third version of the short form) in Tehran. Journal of Psychological Achievements (Educational Sciences and Psychology). Volume 18. Number 1. Pages 93-118. (Persian).
- Gfroerer, K. P., & Gfroerer, C. A., & Curlette, W.L., & White, J., & Keren, R. M.(2002). psychological birth order and the BASIS\_A inventory. The Journal of Individual Psychology, 59, 30-41.
- Hajatbeygi, S. (2000). Relationship between self-efficacy stress management methods and mental health in high school students in Tehran. Master Thesis Azad University. Tehran. (Persian).
- Jaafari, M., & Jaafari, A., & Abotorabi, A. (2010). Relationship between job types - personality of high school teenagers with the order of their birth and comparison of types in adolescent girls and boys. Quarterly Journal of Occupational and Organizational Counseling. Volume 2. Number 4 (Persian)



- Jafari, A., & AMIRIMAJD, M., & Esfandiari, Z. (2012). Relationship between personality traits and coping styles with job stress in nurses. *Journal of Nursing Management*. First Year. First Volume. number 4. (Persian).
- Kafi, M., Aryaporan, S., Negaravi, F., Etminan, Z., Jafari, M. (2013). Predicting lifestyle and five main personality traits based on birth order and family size in students. *Family Counseling and Psychotherapy Quarterly*. third year. number 1. (Persian).
- Kiedash, C.S. (2006). The effect of psychological birth order on Goldbergs "big five" personality traits. A thesis submitted to the faculty of Rowan university.
- Kyani, R., & Aghapoor, M. (2010). Investigating the Relationship between Personality Factors, Documentary Styles and Coping Styles with Mental Health of Female Students of Ahar Islamic Azad University. *Women and Family Studies*. Third Year. number 15, pp. 131-144. (Persian).
- Mansori jaliliyan, A., Yazdanbakhsh, K. (2014). Predicting the tendency to drug abuse based on early maladaptive schemas and perfectionism in students. *Journal of Addiction Research on Substance Abuse*. Eighth year. Number 32. (Persian).
- Melissa M. Dixon , A. et. al. (2008). Personality and birth order in large families. *Personality and Individual Differences* 44 , 119 128.
- Mesbah, A., & Zarean, M., & Bieeya, N., & Aghatehrani, M., & Rahnamaey, A., & Shameli, A., & Haghani, A., & Sajedi, A. (2004). *Growth Psychology with an Attitude Towards Islamic Resources*. Tehran: Samt. (Persian).
- Mohammadamini, M., Khorshidiyan, N., Asadollahi shahir, A., Hashemiyan esfahany, Sh., Najimy, A. (2015). Early maladaptive schemas in patients with borderline personality disorders. *Journal of Health System Research*. pp 505-512
- Mohammadzadeh, A. (2008). Relationship between parents' education, family population, marriage, age and birth order with schizotypal personality patterns. *Journal of Psychology, University of Tabriz*. Number 11. (Persian).
- Najafi, M., Bitaraf, M., Mohammadifar, M., Zareiy matekolaiey, E. (2015). Comparison of early maladaptive schemas and cognitive insights in divorced and normal women. *Journal of Women and Society*. Year 6. Number 4. (Persian).
- Norbala, F., & Bahramiehsan, H., & Alipoor, A. (2014). The Effect of Confronting Styles Avoidance and Extreme Compensation on Public Health. *Quarterly Journal of Health Psychology*. , Number 17. (Persian).
- Penley JA, & Tomaka J.(2002). Associations among the big five emotional responses and coping with acute stress. *Personality and Individual Differences*; ۳۲(۷): ۱۲۱۵-۱۲۱۸
- Plats, H., & Tyson, M., & Mason, O. (2002). Adult attachment style and Core beliefs: are they linked? *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 9, 332 – 348.
- Porrezaiyan, H., Porrezaiyan, M. (2013). The effect of birth rank on students' personality traits using Neo personality test. *Journal of Clinical Psychology*. Number 11. (Persian).
- Rayner, JS. (2008). The relationship between patterns of relating and early maladaptive schemas. Doctoral Dissertation, University of Mississippi. Retrieved from ProQuest Dissertations and Theses.
- Rezaeiynasab, F., Abasi, E., Naziry, Gh., Barzegar, M. (2013). Determining early maladaptive schemas in women with addictive relationships. *Journal of Women and Society*. Fourth Year. Number 2. Page 83. (Persian).
- Rickman, R. (2008). *Personality theories*. Translated by: M, Firizbakht (2008). Tehran: Arasbaran. (Persian).
- Schiller, S. (2006). The effect of birth order on intelligence and personality. A thesis submitted to the faculty of San Francisco State university
- Schultz, D., & Schultz, S. (1998). *Personality theories*. Translated by: Y. Seyedmohammady (1394). Tehran: Virayesh. (Persian).
- Sepahmansoor, M., Emamipor, S., Amrollahi boyoky, A. (2014). Comparison of family performance and early maladaptive schemas in two groups of independent and dependent adolescents. *Quarterly Journal of Psychological Research*. Volume 6. Number 24. Pages 13-33. (Persian).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



- Side, U. (2004). birth order and personality: A methodological study. A thesis submitted to the faculty of San Francisco State university. Developmental Psycholigy.
- Sulloway, F. J. (1996). Born to rebel. New York: Pantheon Books. Sun Ha, Tshui & Lian Tam, Cai. A study of Birth Order, Academic Performance, and Personality. International conference on social science (IPEDR). Vol.5, VI-28, VI32.
- Taheri,R., & Zandighashghae, K., & Honarparvaran, N. (2012). Comparison of the relationship between the dimensions of family communication patterns and self-variable self-concept with coping styles in male and female students of Eram Shiraz Higher Education Institute. Yasouj University of Medical Sciences Research Journal. Number 4. (Persian).
- Trivedi RB, Blumenthal JA, O'Connor CM, Adams K, Hinderliter A, Dupree C, et al. (2009). Coping styles in heart failure patients with depressive symptoms. J Psychosom Res; 67(4): 339-346.
- Waller G.(2003). Schema-level cognitions in patients with binge eating disorder: A case control study. New York: John Wiley InterScience
- Welburn, K., Coristine, M., Dagg, P. (2002). The Schema questionnaire short form: Factor analysis and relationship between schemas and symptoms. Cogn Ther Res; 26(4): 519-530.
- Yang, J.; & Klosko, J.; & Marjorie, W. (1950). Schema therapy practical guide for clinical specialists. Translated by: Hasanpoor, H., & Andoz. (1386). Tehran: Arjmand. (Persian).